

تفسیر نمونه جلد ۷ صفحه ۲۸۱

آیه ۱ - ۲

آیه و ترجمه

براءة من الله ورسوله الى الذين عاهدتم من المشركين ۱ فسيحوا في الارض اربعة اشهر و اعلموا انكم غير معجزى الله و ان الله مخزى الكافرين ۲
ترجمه :

۱ - این اعلام بیزاری خدا و پیامبر او به کسانی از مشرکان است که با آنها عهد بسته‌اید.

۲ - با این حال چهار ماه (مهلت دارید که) در زمین (آزادانه) سیر کنید (و هر جا می‌خواهید بروید و بیندیشید) و بدانید شما نمی‌توانید خدا راناتوان سازید (و از قدرت او فرار کنید و نیز بدانید) خداوند خوار کننده کافران است.

تفسیر :

پیمانهای مشرکان الغاء می‌شود

در محیط دعوت اسلام گروههای مختلفی وجود داشتند، که پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) با هر یک از آنها طبق موضعگیریهایشان رفتار می‌کرد: گروهی با پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) هیچ گونه پیمانی نداشتند، و پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) در مقابل آنها نیز هیچ گونه تعهدی نداشت.

تفسیر نمونه جلد ۷ صفحه ۲۸۲

گروههای دیگری در حدیبیه و مانند آن پیمان ترک مخاصمه با رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) بسته بودند این پیمانها بعضی دارای مدت معین بود، و بعضی مدتی نداشت.

در این میان بعضی از طوائفی که با پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) پیمان بسته بودند، یک جانبه و بدون هیچ مجوزی پیمانشان را به خاطر همکاری آشکار با دشمنان اسلام شکستند، و یا در صدد از میان بردن رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) برآمدند، همانند یهود بنی نضیر و بنی قریظه، پیامبر

(صلی الله علیه و آله و سلم) هم در مقابل آنها شدت عمل به خرج داد، و همه را از مدینه طرد کرد، ولی قسمتی از پیمانها هنوز به قوت خود باقی بود، اعم از پیمانهای مدتدار و بدون مدت.

آیه اول مورد بحث به تمام مشرکان (بت پرستان) اعلام می کند که: هرگونه پیمانی با مسلمانان داشته اند، لغو خواهد شد، و می گوید «این اعلام برائت و بیزاری خداوند و پیامبرش از مشرکانی که با آنها عهد بسته اید، می باشد».

(برائة من الله و رسوله الى الذين عاهدتم من المشركين)

سپس برای آنها یک مهلت چهارماهه قائل می شود، که در این مدت بیانداشند، و وضع خود را روشن سازند، و پس از انقضای چهار ماه یا باید دست از آئین بت پرستی بکشند و یا آماده پیکار گردند، و می گوید: «چهار ماه در زمین آزادانه به هر کجا می خواهید بروید» (ولی بعد از چهار ماه وضع دگرگون خواهد شد) (فسیحوا فی الارض اربعة اشهر)

«اما بدانید که شما نمی توانید خداوند را ناتوان سازید، و از قلمرو قدرت او بیرون روید» (و اعلموا انکم غیر معجزی الله).

«و نیز بدانید که خداوند کافران مشرک و بت پرست را سرانجام خوار و رسوا خواهد ساخت». (و ان الله مخزی الکافرین)

تفسیر نمونه جلد ۷ صفحه ۲۸۳

نکته ها :

در اینجا به دو نکته باید توجه کرد

۱ - آیا الغای یکجانبه پیمان صحیح است؟

می دانیم در اسلام مخصوصا اهمیت فوق العاده ای به مساءله وفای به عهد و پایبند بودن به پیمانها - حتی در برابر کافران و دشمنان - داده شده است، با این حال این سؤال پیش می آید که چگونه قرآن دستور می دهد پیمان مشرکان یک جانبه لغو گردد؟

پاسخ این سؤال با توجه به امور زیر روشن می شود.

اولا بطوریکه در آیه ۷ و ۸ همین سوره (چند آیه بعد) تصریح شده، این لغو پیمان بدون مقدمه نبوده است، بلکه از آنها قرائن و نشانه هایی بر نقض پیمان آشکار شده بود، و آنها آماده بودند در صورت توانائی بدون کمترین اعتنا به پیمانهای که با مسلمانها دارند، ضربه کاری را بر آنها وارد سازند.

این کاملاً منطقی است که اگر انسان ببیند، دشمن خود را آماده برای شکستن پیمان می‌کند و علائم و قرائن آن در اعمال او به قدر کافی به چشم می‌خورد، پیش از آنکه غافلگیر شود اعلام لغو پیمان کرده و در برابر او به پاخیزد. ثانیاً در پیمان‌هایی که به خاطر شرایط خاص بر قوم و ملتی تحمیل می‌شود، و آنها خود را ناگزیر از پذیرش آن می‌بینند، چه مانعی دارد که پس از قدرت و توانائی این گونه پیمانها را به طور یکجانبه لغو کنند. آئین بت پرستی نه یک مذهب بود و نه یک مکتب عاقلانه، بلکه یک روش خرافی و موهوم و خطرناک بود، که می‌بایست سرانجام از جامعه انسانی برچیده شود، و اگر قدرت و قوت بت پرستان در جزیره عرب به قدری در آغاز کار زیاد بود، که پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) مجبور شد تن به صلح و پیمان با آنها در دهد، دلیل این نخواهد بود که به هنگام کسب نیرو و قدرت به چنین پیمان تحمیلی که بر خلاف منطق و عقل و درایت است، وفادار بماند، این درست به آن می‌ماند که یک مصلح

تفسیر نمونه جلد ۷ صفحه ۲۸۴

بزرگ در میان گاو پرستان بعضی از کشورها ظهور کند، و برای برچیدن این برنامه دست به کار تبلیغات وسیع بزند، و به هنگامی که تحت فشار قرار گیرد، به ناچار با آنها پیمان ترک مخاصمه ببندد، ولی به هنگامی که پیروان کافی پیدا کرد، قیام کند و برای جاروب کردن این افکار پوسیده دست به کار شود، و پیمان خود را با آنها ملغی شده اعلام نماید. لذا می‌بینیم این حکم مخصوص مشرکان بوده و اهل کتاب و سایر اقوامی که در اطراف جزیره عربستان وجود داشتند، و به نوعی با پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) پیمان بسته بودند، پیمان‌شان تا پایان عمر پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) محترم شمرده شد. به علاوه می‌بینیم لغو پیمان مشرکان به شکل غافلگیرانه صورت نگرفت، بلکه چهار ماه به آنها مهلت داده شد، و در مرکز اجتماع عمومی حجاز، یعنی روز عید قربان در کنار خانه کعبه این موضوع به آگاهی همه رسانده شد، تا فرصت کافی برای فکر و اندیشه بیشتر پیدا کنند، شاید دست از این آئین خرافی که مایه عقب ماندگی و پراکندگی و جهل و خباثت است، بردارند، خداوند هرگز راضی نشد آنها را غافلگیر سازد و مجال تفکر را از آنها سلب کند حتی

اگر آماده پذیرش اسلام نشوند مجال کافی برای تهیه نیرو بمنظور دفاع از خود داشته باشند تا در یک جنگ غیر عادلانه درگیر نشوند!

اگر پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) نظر تربیتی و رعایت اصول انسانی نداشت هرگز نباید با دادن مهلت چهارماهه دشمن را از خواب بیدار کند و مجال کافی برای تهیه نیرو و آمادگی جنگی به او بدهد بلکه باید در یک روز معین پس از الغای یک جانبه پیمان، بدون مقدمه، به آنها حمله کند و بساط آنان را برچیند.

به همین دلیل می بینیم بسیاری از بت پرستان از این مهلت چهارماهه استفاده کردند و با مطالعه بیشتر در تعلیمات اسلام به آغوش آن بازگشتند.

تفسیر نمونه جلد ۷ صفحه ۲۸۵

۲- این چهار ماه از کی شروع شد؟

در پاسخ این سؤال بین مفسران گفتگو است اما آنچه از ظاهر آیات فوق برمی آید این است که شروع آن از زمانی بود که این اعلامیه برای عموم خوانده شد و می دانیم که روز خواندن آن روز عید قربان، دهم ماه ذالحجه، بود، بنابراین پایان آن روز دهم ماه ربیع الاول از سال بعد محسوب می شد. حدیثی که از امام صادق (علیه السلام) نقل شده نیز این مطلب را تایید می کند.

آیه ۳ - ۴

آیه و ترجمه

و اذن من الله و رسوله الى الناس يوم الحج الاكبر ان الله برىء من المشركين و رسوله فان تبتم فهو خير لكم و ان توليتم فاعلموا انكم غير معجزي الله و بشر الذين كفروا بعذاب ائليم ۳

الا الذين عهدتم من المشركين ثم لم ينقصوكم شيئا و لم يظهروا عليكم احدا فاءتموا اليهم عهدهم الى مدتهم ان الله يحب المتقين ۴

ترجمه :

۳- و این اعلامی است از ناحیه خدا و پیامبرش به (عموم) مردم در روز حج اکبر (روز عید قربان) که خداوند و پیامبر او از مشرکان بیزارند، با این حال اگر توبه کنید به نفع شما است و اگر سرپیچی نمائید بدانید شما نمی توانید خدا را ناتوان سازید (و از قلمرو قدرتش خارج شوید) و کافران را به مجازات دردناک بشارت ده.

۴ - مگر کسانی از مشرکان که با آنها عهد بستید و چیزی از آن فروگذار نکردند و احدی را بر ضد شما تقویت نمودند، پیمان آنها را تا پایان مدتشان محترم بشمرید، زیرا خداوند پرهیزکاران را دوست دارد.

تفسیر نمونه جلد ۷ صفحه ۲۸۶

تفسیر :

آنها که پیمانشان محترم است

در این آیات بار دیگر موضوع الغای پیمانهای مشرکان با تاءکید بیشتری عنوان شده است و حتی تاریخ اعلام آنرا تعیین می کند و می گوید: «این اعلامی است از طرف خدا و پیامبرش به عموم مردم در روز حج اکبر که خداوند و فرستاده او از مشرکان بیزارند» (و اذان من الله و رساله الى الناس يوم الحج الاکبر ان الله بری من المشرکین و رسوله) در حقیقت خداوند می خواهد با این اعلام عمومی در سرزمین مکه و آنهم در آن روز بزرگ راههای بهانه جوئی دشمن را ببندد و زبان بدگویان و مفسده جویان را قطع کند، تا نگویند ما را غافلگیر ساختند و ناجوانمردانه به ما حمله کردند.

قابل توجه اینک که تعبیر «الی الناس» بجای «الی المشرکین» نشان می دهد که لازم بوده است به همه مردمی که در آن روز در مکه حاضر می شوند این پیام ابلاغ شود تا غیر مشرکان نیز گواه بر این موضوع باشند. سپس روی سخن را به خود مشرکان کرده و از طریق تشویق و تهدید برای هدایت آنها کوشش می کند، نخست می گوید: «اگر توبه کنید و به سوی خدا باز گردید و دست از آئین بت پرستی بردارید به نفع شما است» (فان تبتم فهو خیر لکم). یعنی قبول آئین توحید به نفع شما و جامعه شما و دنیا و آخرت خودتان

تفسیر نمونه جلد ۷ صفحه ۲۸۷

است و اگر نیک بیندیشید همه نابسامانیهایتان در پرتو آن، سامان می یابد، نه اینکه سودی برای خدا و پیامبر در بر داشته باشد. بعد به مخالفان متعصب و لجوج هشدار می دهد که «اگر از این فرمان

که ضامن سعادت خودتان است سرپیچی کنید بدانید هرگز نمی‌توانید خداوند را ناتوان سازید و از قلمرو قدرت او بیرون روید» (و ان تولیتهم فاعلموا انکم غیر معجزی الله).

و در پایان این آیه به کسانی که با سرسختی مقاومت می‌کنند اعلام خطر می‌نماید و می‌گوید: «کافران بت پرست را به عذاب دردناک بشارت ده» (و بشر الذین کفروا بعذاب الیم).

همانگونه که سابقاً هم اشاره کردیم این الغای یک جانبه پیمانهای مشرکان مخصوص کسانی بود که نشانه‌هایی بر آمادگی برای پیمان شکنی از آنها ظاهر شده بود، لذا در آیه بعد یک گروه را استثنا کرده، می‌گوید: «مگر آن دسته از مشرکین که با آنها پیمان بسته‌اید و هیچگاه بر خلاف شرائط پیمان گام برنداشتند و کم و کسری در آن ایجاد نکردند، و نه احدی را بر ضد شما تقویت نمودند» (الا الذین عاهدتم من المشرکین ثم لم ینقصوکم شیئاً و لم یظاهروا علیکم احداً).

«در مورد این گروه تا پایان مدت بعهد و پیمانشان وفادار باشید» (فاتموا الیم عهدهم الی مدتهم).

«زیرا خداوند پرهیزکاران و آنها را که از هر گونه پیمان شکنی و تجاوز اجتناب می‌کنند دوست می‌دارد» (و ان الله یحب المتقین).

تفسیر نمونه جلد ۷ صفحه ۲۸۸

در اینجا به چند نکته باید توجه کرد

نکته‌ها :

۱ - «حج اکبر» کدام است؟

در میان مفسران درباره منظور از روز «حج اکبر» گفتگو است، اما آنچه از بسیاری از روایات که از طرق اهل بیت و اهل سنت نقل شده، استفاده می‌شود این است که منظور از آن روز دهم ذی الحجه، روز عید قربان، و به تعبیر دیگر «یوم النحر» می‌باشد.

پایان یافتن مدت چهار ماه تا روز دهم ماه ربیع الثانی طبق آنچه در منابع اسلامی آمده، دلیل دیگر بر این موضوع است، به علاوه در روز عید قربان در واقع قسمت اصلی اعمال حج پایان می‌یابد و از اینرو، روز حج میتوان به آن اطلاق کرد.

و اما اینکه چرا آنرا «اکبر» گفته‌اند به خاطر آن است که در آن سال همه گروه‌ها اعم از مسلمانان و بت پرستان (طبق سنتی که از قدیم داشتند) در مراسم حج شرکت کرده بودند ولی این کار در سالهای بعد به کلی موقوف شد. علاوه بر تفسیر فوق که در روایات اسلامی نیز آمده، و تفسیر دیگری نیز وجود دارد، و آن اینکه منظور از آن مراسم حج است، در مقابل مراسم عمره که «حج اصغر» نامیده می‌شود.

این تفسیر نیز در پاره‌ای از روایات آمده است، و هیچ مانعی ندارد که هر

تفسیر نمونه جلد ۷ صفحه ۲۸۹

دو علت تواءم سبب این نامگذاری شده باشد.

۲- مواد چهارگانه‌ای که در آن روز اعلام شد

گرچه قرآن اعلام بیزاری و برائت خدا را از مشرکان به صورت سر بسته بیان کرده است، اما از روایات اسلامی استفاده می‌شود که علی (علیه السلام) ماء‌مور بود چهار موضوع را به مردم ابلاغ کند:

۱- الغای پیمان مشرکان.

۲- عدم حق شرکت آنها در مراسم حج در سال آینده.

۳- ممنوع بودن طواف افراد عریان و برهنه که تا آن زمان در میان مشرکان رایج بود.

۴- ممنوع بودن ورود مشرکان در خانه خدا.

در تفسیر «مجمع البیان» از امام باقر (علیه السلام) نقل شده که

علی (علیه السلام) در مراسم حج آن سال خطبه‌ای خواند و فرمود:

«لا یطوفن بالبیت عریان و لا یحجن البیت مشرک و من کانت له مدة فهو الی

مدته، و من لم یکن له مدة فمدته اریعة اشهر»:: «از این پس هیچ برهنه‌ای

نباید طواف خانه خدا بیاید، و هیچ بت پرستی حق شرکت در مراسم حج ندارد،

و آنهایی که پیمانشان با پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) مدت دارد تا پایان

مدت محترم است، و آنها که پیمانشان مدت ندارد، مدتش چهار ماه خواهد

بود».

تفسیر نمونه جلد ۷ صفحه ۲۹۰

در بعضی از روایات دیگر اشاره به موضوع چهارم یعنی عدم دخول بت پرستان

در خانه کعبه شده است.

۳ - چه کسانی پیمان مدت دار داشتند؟

از گفتار مورخان و بعضی مفسران چنین استفاده می شود که آنها گروهی از طایفه «بنی کنانه» و «بنی ضمره» بودند که نه ماه از مدت پیمان ترک مخاصمه آنها باقی مانده بود، و چون به مواد پیمان وفادار مانده بودند و در تقویت دشمنان اسلام شرکت نداشتند، پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) تا پایان مدت نسبت به پیمانشان وفادار ماند. بعضی دیگر طایفه ای از «بنی خزاعة» را جزء این گروه که پیمانشان مدت داشت، دانسته اند.

تفسیر نمونه جلد ۷ صفحه ۲۹۱

آیه ۵ - ۶

آیه و ترجمه

فاذا انسلخ الاشهر الحرم فاقتلوا المشركين حيث وجدتموهم و خذوهم واحصروهم و اقعدوا لهم كل مرصد فان تابوا و اقاموا الصلوة و اتوا الزكوة فخلوا سبيلهم ان الله غفور رحيم ۵
و ان احد من المشركين استجارك فاءجره حتى يسمع كلم الله ثم ابلغه ماء منه ذلک بائنهم قوم لا يعلمون ۶

ترجمه :

۵ - هنگامی که ماههای حرام پایان گرفت مشرکان را هر کجا بیابید به قتل برسانید و آنها را اسیر سازید و محاصره کنید و در هر کمینگاه بر سر راه آنها بنشینید، هرگاه توبه کنند و نماز را برپا دارند و زکات را بپردازند آنها را رها سازید زیرا خداوند آمرزنده و مهربان است.

۶ - و اگر یکی از مشرکان از تو پناهندگی بخواهد به او پناه ده تا کلام خدا را بشنود (و در آن بیندیشد) سپس او را به محل امنش برسان چرا که آنها گروهی ناآگاهند.

تفسیر :

شدت عمل تواءم با نرمش!

در اینجا وظیفه مسلمانان پس از پایان مدت مهلت مشرکان، یعنی چهارماه

بیان شده است، و شدیدترین دستور را درباره آنها صادر می کند و می گوید: «هنگامی که ماههای حرام پایان گیرد، بت پرستان را هر کجایافتید به قتل

تفسیر نمونه جلد ۷ صفحه ۲۹۲

برسانید» (فاذا انسلخ، الاشهر الحرم فاقتلوا المشركين حيث وجدتموهم) سپس می گوید: «آنها را بگیرید و اسیر کنید» (وخذوهم). «و آنها را در حلقه محاصره قرار دهید» (و احصروهم). «و در کمین آنها در هر نقطه ای بنشینید و راهها را بر آنها ببندید» (واقعدوا لهم كل مرصد) در اینجا چهار دستور خشن در مورد آنها دیده می شود: «بستن راهها، محاصره کردن، اسیر ساختن، و بالاخره کشتن» و ظاهراً این است که چهار موضوع به صورت یک امر تخییری نیست، بلکه با در نظر گرفتن شرایط محیط و زمان و مکان و اشخاص مورد نظر، باید هر یک از این امور که مناسب تشخیص داده شود، عملی گردد. اگر تنها با اسارت و محاصره کردن و بستن راه بر آنها در فشار کافی قرار گیرند از این راه باید وارد شد. و اگر چاره ای جز قتل نبود کشتن آنها مجاز است. این شدت عمل به خاطر آن است که برنامه اسلام ریشه کن ساختن بت پرستی از روی کره زمین بوده، و همانطور که سابقاً نیز اشاره کرده ایم، مسأله آزادی مذهبی، یعنی ترک اجبار پیروان مذاهب دیگر برای پذیرش اسلام، منحصر به ادیان آسمانی و اهل کتاب مانند یهود و نصاری است، و شامل بت پرستان نمی شود، زیرا بت پرستی مذهب و آئین نیست که محترم شمرده شود، بلکه انحطاط و خرافه و انحراف و بیماری است که به هر حال و به هر قیمت باید ریشه کن گردد. ولی این شدت و خشونت نه به مفهوم این است که راه بازگشت به روی آنها بسته شده باشد، بلکه در هر حال و در هر لحظه بخواهند می توانند جهت خود را تغییر دهند، لذا بلافاصله اضافه می کند: «اگر آنها توبه کنند و به سوی حق

تفسیر نمونه جلد ۷ صفحه ۲۹۳

باز گردند و نماز را برپا دارند و زکوة را ادا کنند، آنها را رها سازید

ومزاحمشان نشوید. (فان تابوا و اقاموا الصلوة و اتوا الزکوة فخلوا سبیلهم).
و در این صورت با سایر مسلمانان کمترین تفاوتی را ندارند و در همه احکام و حقوق با آنها شریکند.

«زیرا خداوند آمرزنده و مهربان است»، و کسی را که به سوی او بازگردد،
از در خود نمیراند (ان الله غفور رحیم).

سپس این موضوع را در آیه بعد با دستور دیگری تکمیل می کند تا تردیدی باقی
نماند که هدف اسلام از این دستور تعمیم توحید و آئین حق و عدالت است، نه
استعمار و استثمار و قبضه کردن اموال یا سرزمینهای دیگران، و می گوید:
اگر یکی از بت پرستان از تو درخواست پناهندگی کند به او پناه ده تا سخن
خدا را بشنود» (و ان احد من المشرکین استجارک فاجرہ حتی یسمع کلام
الله).

یعنی در نهایت آرامش با او رفتار کن، و مجال اندیشه و تفکر را به آنها بده تا
آزادانه به بررسی محتوای دعوت تو بپردازند، و اگر نور هدایت بر دل آنها تابید
آنها بپذیرند. بعد اضافه می کند که «او را پس از پایان مدت مطالعه به جایگاه
امن و امانش برسان» تا کسی در اثناء راه مزاحم او نگردد. (ثم ابلغه مامنه).
و سرانجام علت این دستور سازنده را چنین بیان می کند که: «این بخاطر آن
است که آنها قومی بی اطلاع و ناآگاهند» (ذلک بانهم قوم لایعلمون).
بنابراین اگر درهای کسب آگاهی به روی آنها باز گردد، این امید می رود
که از بت پرستی که زائیده جهل و نادانی است خارج شوند، و به راه توحید
و خدا که مولود علم و دانش است گام بگذارند.
در منابع شیعه و اهل سنت نقل شده که یکی از بت پرستان پس از الغای

تفسیر نمونه جلد ۷ صفحه ۲۹۴

پیمان آنها، به علی (علیه السلام) گفت: ای فرزند ابوطالب اگر کسی از مابعد
از گذشتن این چهار ماه بخواهد پیامبر را ملاقات کند و مسائلی را با او در
میان بگذارد و یا سخن خدا را بشنود، آیا در امنیت خواهد بود؟!
علی (علیه السلام) فرمود آری، زیرا خداوند فرموده «و ان احد من المشرکین
استجارک فاجرہ...»

و به این ترتیب سختگیری فوق العاده ای که از آیه اول استفاده می شود،
بانرمشی که در آیه دوم به کار رفته، تعدیل می گردد، و راه و رسم

تربیت‌همین است که همیشه شدت عمل را با نرمش بیامیزند و از آن معجونی شفا بخش بسازند.

در اینجا به چند نکته باید توجه کرد

نکته‌ها:

۱- منظور از شهر حرم در اینجا چیست؟

گرچه مفسران در این باره بسیار صحبت کرده‌اند ولی با توجه به آیات گذشته ظاهر این است که منظور از آن، همان چهار ماه مهلت است که برای مشرکان مقرر گردیده که آغاز آن روز دهم ذی الحجه سال نهم هجری و پایان آن روز دهم ماه ربیع الثانی سال بعد بود، و این تفسیر رابسیاری از محققان پذیرفته‌اند، و مهمتر اینکه در روایات متعددی نیز به آن تصریح شده است.

۲- آیا نماز و زکات شرط قبول اسلام است؟

از آیات فوق در بدو نظر چنین استفاده می‌شود که برای قبول توبه بت پرستان،

تفسیر نمونه جلد ۷ صفحه ۲۹۵

اداء نماز و زکوة نیز لازم است، و به همین دلیل بعضی از فقهای اهل سنت ترک نماز و زکوة را دلیل بر کفر گرفته‌اند.

ولی حق این است که منظور از ذکر این دو دستور بزرگ اسلامی آن است که در تمام مواردی که ادعای اسلام مشکوک به نظر برسد - همان گونه که در مورد بت پرستان آنروز غالباً چنین بود - انجام این دو وظیفه بزرگ اسلامی را به عنوان نشانه برای اسلام آنها قرار دهند.

و یا اینکه منظور این است که آنها نماز و زکات را به عنوان دو قانون الهی بپذیرند و به آن گردن نهند، و به رسمیت بشناسند، هر چند از نظر عمل در کار آنها قصوری باشد، زیرا دلائل فراوانی داریم که تنها با ترک نماز و زکات انسان در صف کفار قرار نمی‌گیرد، هر چند اسلام او بسیار ناقص است. البته اگر ترک زکات به عنوان قیام بر ضد حکومت اسلامی باشد، سبب کفر خواهد بود، ولی این بحث دیگری است که ارتباط به موضوع ما ندارد.

۳- ایمان زائیده علم است

از آیات فوق این نکته نیز استفاده می‌شود که عامل مهم بی‌ایمانی جهل است و سرچشمه اصلی ایمان علم و آگاهی است، لذا برای ارشاد و هدایت مردم باید

امکانات کافی برای مطالعه و اندیشه در اختیار آنهاگذارند تا بتوانند راه حق را پیدا کنند نه اینکه کورکورانه و یا از روی تقلیداسلام را پذیرا شوند.

بعد ←

↑فرست

→ قبل